

باسمه تعالی

- ۲ **مقدمه واجب**
- ۲ **اقوال در وجوب مقدمه واجب**
- ۲ بررسی قول مرحوم آخوند
- ۲ بیان اول مرحوم آخوند بر وجوب مطلق مقدمه: عام بودن غرض وجوب مقدمه
- ۲ رد بیان اول مرحوم آخوند توسط مرحوم خوئی
- ۳ جواب اول: حاصل بودن غرض تمکن در زمان قبل از اتیان مقدمه
- ۳ جواب دوم: وجوب تحصیل قدرت در صورت ایجاب مطلق مقدمه
- ۳ نقد استاد بر جوابهای مرحوم خوئی
- ۳ رد دلیل اول مرحوم خوئی: غرض داشتن از ایجاب مقدمه در صورت ایجاب مطلق مقدمه
- ۴ رد دلیل دوم مرحوم خوئی: عدم تلازم بین وجوب مطلق مقدمه و وجوب تحصیل قدرت
- ۴ بیان دوم مرحوم آخوند بر وجوب مطلق مقدمه: منحصر نبودن وجوب مقدمات به مقدمات تولیدیه
- ۵ جواب اول از بیان دوم مرحوم آخوند: ارادی بودن اختیار
- ۵ جواب دوم از بیان دوم مرحوم آخوند: ایصال به معنای در طریق وقوع ذی المقدمه قرار گرفتن

موضوع: قول صاحب فصول / بررسی اقوال / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ثمره قول مرحوم شیخ و مرحوم آخوند تمام شد. مجموعاً سه ثمره مطرح شد و گفته شد که ثمره اول، مهمترین ثمره است. در ادامه به بررسی قول صاحب فصول پرداخته شد. در این جلسه ادله مرحوم آخوند و در ضمن آن به بررسی نقدهای مرحوم آخوند بر مرحوم صاحب فصول پرداخته می شود.

مقدمه واجب

اقوال در وجوب مقدمه واجب

بررسی قول مرحوم آخوند

بحث در مورد نظریه مرحوم صاحب فصول بود. مرحوم آخوند در ابتدا ادله ای برای رد ایشان مطرح می‌کند و اثبات می‌کند که مطلق مقدمه واجب است. در ضمن اثبات وجوب مطلق مقدمه، تقیید به ایصال را رد می‌کند. ما نیز در ابتدا ادعای مرحوم آخوند را مطرح می‌کنیم.

بیان اول مرحوم آخوند بر وجوب مطلق مقدمه: عام بودن غرض وجوب مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است: «اولا غرض از مقدمه ایصال به ذی المقدمه نیست؛ بلکه غرض این است که مکلف توسط مقدمه به ذی المقدمه برسد. به عبارت دیگر، آن عدمی که ذی المقدمه از کانال مقدمه دارد، مسدود بشود و تمکن پیدا کردن از اتیان ذی المقدمه از کانال مقدمه است؛ پس موصله بودن غرض نیست؛ زیرا غرض چیزی است که مترتب بر فعل می‌شود. در تعریف غرض و غایت گفته‌اند: غرض چیزی است که از لحاظ تصور اول است و در مقام خارج و تحقق آخر است. ایصال به ذی المقدمه مترتب بر مقدمه نمی‌شود؛ زیرا چه بسا مقدمه اتیان می‌شود و ذی المقدمه ترک می‌شود. چیزی که مترتب بر مقدمه است، تمکن از اتیان ذی المقدمه است.

خلاصه: اولاً غرض از وجوب مقدمه، سد باب عدم ذی المقدمه از ناحیه مقدمه است؛ به گونه ای که اگر مقدمه نباشد، ذی المقدمه هم نیست و چون بعضی اوقات با انجام مقدمه، ذی المقدمه امتثال نمی‌شود، پس غرض از ایجاب مقدمه، ایصال نیست. ثانیاً وقتی غرض عام است، حکم هم باید عام باشد؛ پس باید مطلق مقدمه واجب باشد.

رد بیان اول مرحوم آخوند توسط مرحوم خوئی

مرحوم خوئی از کسانی است که منکر وجوب مطلق مقدمه است و ادله مرحوم آخوند را جواب داده است.^۱

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲ محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابو القاسم، ج ۲، ص ۴۱۵.

جواب اول: حاصل بودن غرض تمکن در زمان قبل از اتیان مقدمه

مرحوم خوئی فرموده است: اگر مقدمه واجب، واجب باشد، مقدمه موصله واجب است؛ زیرا غرض از مقدمه تمکن پیدا کردن از اتیان ذی المقدمه نیست تا بگوئید غرض عام است و باید مطلق مقدمه واجب باشد؛ چون که تمکن از اتیان ذی المقدمه قبل از اتیان مقدمه هم وجود دارد. مثلاً وقتی نصب سلم محقق نشده است، مع الواسطه تمکن از صعود علی السطح وجود دارد.

جواب دوم: وجوب تحصیل قدرت در صورت ایجاب مطلق مقدمه

مرحوم خوئی می‌فرماید: اگر غرض از مقدمه تمکن از اتیان ذی المقدمه باشد لازمه‌اش این است که تحصیل قدرت واجب باشد درحالی که واجب نیست؛ زیرا معنای تمکن از اتیان ذی المقدمه، تحصیل قدرت بر اتیان است، در حالی که تحصیل قدرت واجب نیست؛ زیرا قدرت از شرائط عامه تکلیف است، مثلاً اگر قدرت وجود داشته باشد، حج واجب می‌شود. قدرت شرط وجوب است و شرط واجب نیست، مثلاً لازم نیست تحصیل قدرت بر اداء زکات شود. اگر قدرت باشد زکات دادن واجب است و الا واجب نیست. اساساً اگر غرض از مقدمه تمکن از اتیان ذی المقدمه باشد، نباید مقدمه واجب باشد؛ چون تحصیل قدرت واجب نیست.

نقد استاد بر جوابهای مرحوم خوئی

به نظر ما ادعای مرحوم خوئی صحیح نیست. نقد اول و دوم مرحوم خوئی صحیح نیست.

رد دلیل اول مرحوم خوئی: غرض داشتن از ایجاب مقدمه در صورت ایجاب مطلق مقدمه

هر چند که ظاهر بعضی از عبارات مرحوم آخوند این است که غرض از مقدمه، تمکن از اتیان ذی المقدمه است؛ ولی در این بحث توضیح داده است که غرض از ایجاب مقدمه، تمکن از اتیان ذی المقدمه از ناحیه مقدمه است؛ یعنی اگر کسی مقدمه را اتیان نکند، از ناحیه عدم اتیان مقدمه، قدرت بر اتیان ذی المقدمه وجود ندارد؛ لذا گفته می‌شود: غرض از مقدمه این است که قدرت از ناحیه مقدمه ایجاد بشود و قبل از اتیان مقدمه، این غرض وجود نداشت. به عبارت دیگر غرض از مقدمه ایجاد ما یتوقف علیه الواجب است. اگر کسی مقدمه را اتیان نکند، ایجاد ما یتمکن علیه الواجب نشده است. بر ایجاد مقدمه، قدرت بالفعل بر ذی المقدمه مترتب می‌شود هر چند که ممکن است از جهت دیگری قدرت بالفعل وجود نداشته باشد و قبل از اتیان ذی المقدمه، این قدرت بالفعل وجود نداشت. وقتی مقدمه اتیان می‌شود، یک باب از عدم، مسدود شده است.

خلاصه: غرض از مقدمه، سد باب عدم تمکن از ذی المقدمه از ناحیه مقدمه است و قبل از اتیان مقدمه، این باب مسدود نشده بود.

رد دلیل دوم مرحوم خویی: عدم تلازم بین وجوب مطلق مقدمه و وجوب تحصیل قدرت

مرحوم آخوند می‌فرماید: غرض از مقدمه تمکن از اتیان ذی المقدمه است و این غرض سبب شده است که مولا اگر ذی المقدمه را اراده کند و التفات به توقف داشته باشد، مقدمه را اراده کند؛ لذا گفته می‌شود: وقتی مولا اراده مقدمه را می‌کند، به صورت مطلق آن را اراده می‌کند. این بیان ربطی به عدم وجوب تحصیل قدرت ندارد.

ادعای مرحوم آخوند این است که ملازمه، بین اراده ذی المقدمه و مقدمه وجود دارد و بحث در حدود این ملازمه است. حال که بحث در مورد اصل ملازمه نیست، مرحوم آخوند می‌فرماید: منشا این اراده تبعی غرض از تمکن اتیان ذی المقدمه است و غرض عام است پس مطلق مقدمه واجب است. این بیان ربطی به وجوب تحصیل قدرت ندارد.

نتیجه: بیان اول مرحوم آخوند صحیح است. منشا اراده غرض است و غرض هم تمکن از اتیان ذی المقدمه است ..

بیان دوم مرحوم آخوند بر وجوب مطلق مقدمه: منحصر نبودن وجوب مقدمات به مقدمات تولیدیه

مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر فقط مقدمه موصله واجب باشد، لازمه‌اش این است که فقط مقدمات تولیدیه را واجب بدانیم. مقدمات تولیدیه مقدماتی هستند که بعد از تحقق مقدمه ذی المقدمه هم حتماً محقق می‌شود و اراده مکلف واسطه نیست. بر خلاف مقدمات اعدادیه که اراده مکلف بین مقدمه و ذی المقدمه وجود دارد.

مرحوم آخوند می‌فرماید: غرض از مقدمه، مطلق التوقف است و غرض، ایصال به ذی المقدمه نیست؛ چون اگر غرض، ایصال به ذی المقدمه باشد، فقط در مقدمات تولیدیه غرض وجود دارد؛ زیرا ایصال بر سائر مقدمات واجب مترتب نمی‌شود؛ چون مکلف هم باید اراده بکند تا ذی المقدمه محقق بشود؛ لذا اگر غرض ایصال باشد لازمه‌اش این است که فقط مقدمات تولیدیه وجوب داشته باشد.

ان قلت: بالاخره ذی المقدمه که از مکلف صادر می‌شود هر چند که در مقدمات اعدادیه باشد؛ یعنی باید مقدمات به صورت کامل اتیان شده باشند تا ذی المقدمه محقق بشود؛ پس در مقدمات اعدادیه هم ایصال به ذی المقدمه و ترتب وصول ذی المقدمه بر مقدمات وجود دارد؛ اما در مقدمات تولیدیه بدون واسطه ذی المقدمه مترتب می‌شود و در مقدمات اعدادیه با واسطه، ذی المقدمه مترتب می‌شود.

قلت: هر چند که ذی المقدمه وقتی محقق می‌شود که تمام مقدمات محقق شده باشند؛ ولی یکی از مقدمات ذی المقدمه در مقدمات غیر تولیدیه، اراده مکلف است. مثلاً بعد از وضو باید اراده ضمیمه بشود تا ذی المقدمه محقق بشود و از طرفی هم اراده قابلیت تعلق تکلیف را ندارد؛ چون اراده، ارادی نیست. اگر بنا باشد که اراده خودش ارادی باشد و مسبوق به اراده

دیگری باشد، تسلسل لازم می‌آید. اساساً معنای فعل ارادی این است که مسبوق به اراده است، اگر اراده مسبوق به اراده دیگری باشد، تسلسل لازم می‌آید. نتیجه این می‌شود که مقدمات اعدادیه‌ای که ایصال بر آن مترتب می‌شود، غیر اختیاری است و مقدمات اعدادیه‌ای که ایصال بر آن مترتب نمی‌شود (چون اراده موجود نبوده است) واجب نیست.

در مقدمات اعدادیه، جزء اخیر علت، اراده است و ایصال بر مقدمه اخیر مترتب می‌شود و قابل وجوب نیست؛ چون غیر اختیاری است و سائر مقدمات غیر از اراده نیز موصله نیست؛ لذا گفته می‌شود: اگر غرض از وجوب مقدمه ایصال باشد، لازمه اش این است که مقدمات اعدادیه وجوب نداشته باشند در حالی که صاحب فصول قبول دارد که مقدمات اعدادیه وجوب دارند.

جواب اول از بیان دوم مرحوم آخوند: ارادی بودن اختیار

ادعای مرحوم آخوند صحیح نیست. این که ایشان فرموده است: اراده غیر ارادی است و به اختیار مکلف نیست، صحیح نیست. مرحوم آخوند در حاشیه رسائل فرموده است: اراده در اختیار انسان است و می‌تواند یک کاری کند که از اراده دست بردارد. مثلاً مقداری تامل کند و از اراده خودش دست بردارد. همچنین این مطلب را مرحوم آخوند در کفایه تذکر داده است.^۱ بله؛ مبادی اراده هر چند بعضی از آنها در اختیار انسان نیست؛ ولی بعضی از آنها در اختیار انسان است. چه بسا انسان در وجدانش می‌یابد که شوق اکید به انجام فعلی پیدا می‌کند و از انجام آن منصرف می‌شود. انسان می‌تواند در اثر تفکر بیشتر یک کاری کند که اراده نکند. زمام اراده در اختیار مکلف است. تنها برهانی که انسان را قانع می‌کند که در این عالم مختار است، وجدان است. بالوجدان انسان مختار است که اراده بکند یا نکند.

جواب دوم از بیان دوم مرحوم آخوند: ایصال به معنای در طریق وقوع ذی المقدمه قرار گرفتن

این که مرحوم آخوند فرمود: در مقدمات اعدادیه ایصال به ذی المقدمه بر مقدمات مترتب نیست، درست نیست. صاحب فصول که می‌فرماید فقط مقدمه موصله واجب است، مرادش این نیست که ایصال به ذی المقدمه باید بر این مقدمات مترتب شده باشد؛ بلکه مراد ایشان مقدماتی است که در سلسله وقوع ذی المقدمه قرار می‌گیرند، نه این که ایصال بر آن مترتب می‌شود. معنای موصله این نیست که ایصال بر مقدمات مترتب است؛ بلکه مراد این است که مقدماتی واجب هستند که در طریق و

۱ در الفوائد فی الحاشیه علی الفرائد، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۳۸.

۲ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۶۷.

سلسله وقوع ذی المقدمه قرار بگیرند حال وقوع ذی المقدمه نسبت به این مقدمات تولیدی باشد یا اعدادی باشد. مثلاً نصب سلم در طریق صعود علی السطح قرار دارد چه صعود بر اراده مترتب شده باشد یا نشده باشد.

خلاصه: مراد از ایصال در کلام صاحب فصول ترتب بالفعل نیست؛ بلکه مراد ما يقع فی طریق الایصال است، حال یا مقدمه بر همین مقدمه مترتب می شود یا بر اراده مترتب می شود.